



معرفی و بررسی انشای دلگشا

سدره ظاهر

دانشجوی دوره دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب لاهور

دکتر محمد صابر

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب لاهور

چکیده:

نسخه های خطی یکی از گنجینه های ارزشمند ادبی هستند. بسیاری از این دست نوشته ها تصحیح شده اند و بسیاری دیگر همچنان در غبار فراموشی در کتابخانه ها و مجموعه های شخصی هستند. *انشای دلگشا* یکی از این آثار ارزشمند است. مصنف این اثر مهتاب رای از منشیان اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری است. درباره این مصنف اطلاع چندانی به دست نیامد. اما از فحوای نامه هایش معلوم است که او فنّ انشاگری را آموخته است و چند بار به عنوان منشی برای صاحب منصبان هندی و انگلیسی کار کرده است. این اثر مجموعه ای از دویست و سیزده نامه است که بیشتر آنها را خادمی نوشته و برخی دیگر قلمی دیگران از جمله استاد او لچھی رام است. نامه ها از فاصله زمانی یک هزار و نود و نه تا بعد از یک هزار و صد و پنجاه نوشته شده اند. مخاطبین نامه ها طیف وسیعی را از صاحب منصبان عالی رتبه تا دوستان و اقوام خادمی و دیگر نگارندگان نامه ها دربرمی گیرد. این پژوهش بر آن است تا به معرفی و تصحیح این اثر بر اساس نسخه دستنویس منحصر به فرد موجود از این اثر که در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور نگهداری می شود، بپردازد.

واژگان کلیدی: مهتاب رای، انشای دلگشا، مکتوبات، قرن دوازدهم.

۱-۱-۱. انشای دلگشا

سه اثر با نام *انشای دلگشا* شناسایی شد:

- ۱- اثری از پیران ناتھ ملتانی (قرن ۱۲) که نسخه ای از آن در *فهرست مشترک ایران و پاکستان* معرفی شده است (ر.ک. منزوی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۳۲۰ و درایتی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۵۲).
- ۲- اثری از سید نثار علی بن سید اعظم علی بخاری بریلوی که در قالب چاپ سنگی در هند (دهلی: مصطفایی) چاپ شده است (ر.ک. هاشمی، ۱۳۷۵: ۱۹۹).
- ۳- اثری از مهتاب رای که موضوع تحقیق حاضر است و پس از این درباره آن سخن خواهیم گفت.

۱-۱-۱-۱. چینش نامه های انشای دلگشا

مهتاب رای نامه ها را در دو باب تدوین کرده و باب دوم را در دو فصل تنظیم کرده است: «خاطر ما بر اجتماع آن فراهم آمد مشتمل بر سه باب ساخت: باب اول در مراسلاتی که از طرف خان موصوف به اکثر صاحبان اهل دول بقلم آمده و هم در عهد دیوانی قصیه پادشاه به اکثر صاحبان اهل معامله نوکر بر خامه صفا پرداز شده. باب دوم در نگارش مکاتباتی که خود به دوستان صمیم و غیر آن نگارش فرموده اند مشتمل بر دو فصل است. فصل اول در مسودات صاف که مترسلان روزگار را در نگارش روز نامجاب بکار آید. و در فصل دوم نثرهای رنگین تمانت الفاظ و استعارات پس مربوط و سرین زبانزد خامه گوهرنثار کرده. باب سوم در مسودات عاصی هیچمدان بارساد رسادت بنیاد جناب فیض مآب داخل آن کرده مقرر ساخت» (گ: ۳).

بدین ترتیب برخی از نامه ها را مهتاب رای ننوشته است از جمله عنوان نامه ۱۴۲ چنین است: «به رای مهتاب رای که شاگرد بود» (گ: ۱۱۹).



ساختار نامه‌ها:

- نامه‌هایی که به قلم مهتاب رای بوده‌اند، چنین ساختاری دارند:
- عنوان مخاطب با قید «به» یا «برای» آمده است مثلاً «به سید انصارالله خان»، «برای مهارجه نرت ماسنگه بهادر». البته در مواقعی عنوان مخاطب نیامده است.
- درج صفاتی برای مخاطب قرار دادن گیرنده نامه با درج قید «سلامت» یا «سَلَمه الله» در پایان آنها.
- متن پیغام.
- درج عبارات «زیاده چه» یا «چه نویسد» و از این قبیل و گاهی نیز «والسلام» پایان‌بخش نامه‌هاست.

۲-۱- مهتاب رای تدوین‌گر نامه‌های انشای دلگشا

تدوین‌گر این نامه‌ها که در واقع نگارنده بسیاری از آنها نیز بوده، مهتاب رای نامی است زیرا در مقدمه به آن اشاره شده است: او در چند جا به نام خودش اشاره کرده است: «اما بعد اضعف العباد مهتاب رای که تارک نیازآگینش جبهه‌سای سجود آستان استادان ذیشان و دل ارادت‌منزلش قدم‌فرسای جاده خدمت بزرگان ذوی الإحسان است» (گ: ۲). لازم به ذکر است مهتاب رای در بیشتر نامه‌ها خودش را «هیچ‌مدان» خطاب کرده است. درباره مهتاب رای در منابع و مراجع نامی نیامده است جز اینکه در نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند درباره اوضاع ادبی در اواخر عهد تیموری به نقل از پرفسور شریف قاسمی آمده است: «در این دوره نامه‌های فارسی هم مدون شد. نامه‌های غالب، لجهی رام دهلوی، قاسم علی، عبرتی عظیم‌آبادی، مصطفی خان حسرتی، مهتاب رای پندت، صهبایی، مؤمن خان مؤمن و دیگران از آن جمله است» (هاشم‌پور سبحانی، ۱۳۷۷: ۵۹۴). شاید مهتاب رای مذکور همان نگارنده نامه‌های انشای دلگشا باشد.

همچنین در تذکره روز روشن در ذیل معرفت‌الم هندی نوشته است: «پرشادرای ولد مهتاب رای قوم کایتیه. پدرش مدتی منشی دفترخانه گورنری کلکته بود» (صبا، ۱۳۴۳: ۱۱۲). به نظر می‌رسد مهتاب رای مذکور همان مدون نامه‌های انشای دلگشا است زیرا در یکی از نامه‌ها آمده است: «چون نیازمند به تأکید طلب جناب گورنر بهادر در آن روزها عزم روانگی کلکته داشت» (گ: ۱۶۸) و: «این مرتبه که به موجب ایماء آن مهربان عزم رفتن کلکته به خدمت جناب گورنر بهادر داد باید دید که در حضور دانایان آنجا از تار و پود خود چه خواهد بافند» (گ: ۱۶۹). درباره پرشاد رای و گورنر کلکته در جایی مطلبی یافت نشد.

۱-۲-۱- نگارندگان نامه‌ها

گفتیم که مهتاب رای نامه‌هایی را جمع کرده و در مجموعه‌ای با نام انشای دلگشا تدوین کرده است. بیشتر این نامه‌ها به قلم خود او بوده‌اند؛ امّ برخی از نامه‌ها را استاد مهتاب رای یعنی لجهی رام نوشته است چنانکه در یکی از نامه‌ها می‌خوانیم: «فقیر اضعف الأنام لجهرام آداب مسکت و افتقار را ذریعه افتخار دانسته» (گ: ۱۳۵) و: «از فقیر هیچ‌کار لجهرام گنه‌کار بعد عرض انکسار معروض آنکه عاصی عیال‌بار به عارضه ظلمت بصر گرفتار و در فکر مایحتاج از مدّت بسیار به کوتاه‌دستی‌ها خوار و در نظر همگان حقیر و بی اعتبار و به تأیید حضرت آفریدگار» (گ: ۱۳۶).

درباره نگارندگان دیگر نامه‌ها اطلاعی کسب نشد.

۲-۲-۱- زمانه تألیف

مهتاب رای در بخشی از یک نامه به پایان یافتن دوران سلطنت اشاره کرده است: «ازانجا



که خامه سحرکار جادو نگار روزگار هر دم نقشی می‌نگارد و هر لحظه رنگی تازه بر روی کار می‌آرد، دفتر کارخانه سلطنتیه و شکوه امرایی گاو خورد شد و نقشه نوکری اهل قلم یک قلم بر هم خورد. پرداخت تلاش معاش که هر فردی را از افراد انسی مهم است با جلوه‌گری صورت کار موروئی که درین کساد جنس هنروری و روزبازار بی‌قدری منحصر بر یاری حضرت باری‌ست» (گ: ۱۲۵). او پیش از این واقعه در دربار بوده است: «چون اینجانب بعد واردات نواب شهید مرحوم صورت دربار یکایک برنگ دیگر دید» (گ: ۴۰). «دوستان صورت دربار برنگ دیده ناچار از انجا کنار کشیده» (گ: ۴۱).

اما اینکه تاریخ نوشته شده نامه‌ها در چه فاصله زمانی است، دو دسته شواهد در متن موجود است:

۱- مهتاب رای در جایی از مخاطب نامه‌اش خواسته است: «اگر رساله/اصطلاحات تازه تصنیف منشی سالکوتی مل یا بهار عجم در سرکار باشد در عاریت دادن آن میل عالم‌آرا عذر و تساهل را عندالله کاربند نباید شد» (گ: ۹۷).

۲- در بخش دیگری از متن از قول مهتاب رای می‌خوانیم: «اکثر مسودات جناب ممدوح - دام الله بقاء- که بنده در عهد خطوط نویسی نواب قجرالدوله میر فخرالدین خان خلف وزیر الممالک اعتماد الدوله قمرالدین خان مرحوم در لطافت سرکار سهارنپور هنگام توجه ریایات عالیات پادشاه عالم‌پناه به سواد تپهرکده و بعضی در چاکری امیرالدوله منصور جنگ محمد زین العابدین خان در ایام قحط و غلای یک‌هزار و نود و نه هجری و برخی برای رفع بیکاری و یأس تلامذه اعزه ریخته کلک گهر بکار شده چون نوار کاکل مشکبار خوبان سراپا نگار سطور و فقرات متفرقه‌اش بر رخسار صفحات قرطاس از شانه طرازی به رتبت دور بود» (گ: ۳).

تاریخ‌هایی که از این دو دسته شواهد بر می‌آید چنین است:

الف) مقصود از رساله/اصطلاحات که مهتاب رای به آن اشاره کرده، *مصطلحات الشعرا* تألیف منشی سیالکوتی مل متخلص به وارسته لاهوری (م. ۱۱۸۰ هـ) باشد. این رساله مشتمل بر محاورات و اصطلاحات زبان فارسی است (ر.ک. رایج سیالکوتی، ۱۳۷۵: ۱۸) مؤلف تذکره *آفتاب عالم‌تاب* از این اثر منشی سیالکوتی با نام *اصطلاحات الشعرا* یاد کرده است (اختر هوگلی، ۱۳۹۲: ۷۹۲). به هر حال این اثر با عنوان *مصطلحات الشعرا* تصحیح شده و مصحح محترم در مقدمه آورده‌اند که تاریخ تألیف آن ۱۱۴۹ هـ برابر با ۱۷۳۶ م. است (شمیسا، ۱۳۸۰: ۲۵).

ب) تألیف بهار عجم در ۱۱۵۲ است. بنا بر این نامه در تاریخی بعد از ۱۱۵۲ یا همان سال نوشته شده است و تاریخ تدوین همه مکتوبات نیز پس از تاریخ ذکر شده است. بدین ترتیب نگارنده نامه‌ها همزمان با دوران سلطنت محمدشاه گورکانی (حک. ۱۱۶۱-۱۱۳۱ هـ) می‌زیسته است.

ج) برخی از نامه‌ها را در زمان چاری امیرالدوله منصور جنگ در سال ۱۰۹۹ نوشته است. بدین ترتیب اولین تاریخ ۱۰۹۹ و آخرین آن بر اساس قرائن ۱۱۵۲ است؛ یعنی احتمال می‌رود که تاریخ نوشته شدن برخی از نامه‌های بعد از ۱۱۵۲ باشد. بر این اساس نامه‌ها در فاصله بیش از پنجاه سال نگارش شده‌اند و مهتاب رای آن نامه‌ها را در یک مجموعه تدوین کرده‌اند.

در خور ذکر است که نامه‌ها معمولاً تاریخ ندارند. نامه‌هایی نیز که حاوی تاریخ هستند، نگارنده فقط به ذکر روز و ماه بسنده کرده است: «مکتوب بهجت‌اسلوب مرقوم دوم شهر حال هفتم یوم دوشنبه به وصول بهجت‌شمول ابتهاج‌افزای خاطر گردید» (گ: ۳۴)، «ملاطفه سامی مرقوم غره یوم جمعه سیوم شهر حال عز وصول آورد» (گ: ۶۴)، «صحیفه شریفه مرقوم پانزدهم شعبان که متضمن صحت مزاج و هاج نوزدهم شهر مذکور به وصول بهجت‌شمول سرور خاطر گردید» (گ: ۷۴)، «محبّت‌نامه مرقوم چهارم شهر ربیع الثانی بهم موصول شد»



(گ: ۱۰۴)، دو قطعه محبت نامه مرقوم پنجم و دهم شهر حال چهاردهم و پانزدهم موصول شد»
(گ: ۱۴۲)، «دو کلمه مسطور هژدهم شهر حال بعد قصد السواد ملفوف خط خانگی عزیز از
جان رسانید» (گ: ۱۵۱).

۱-۲-۳- مذهب مهتاب رای

وی بنا بر استشهداد به آیات قرآنی که در جای جای مکتوبات دیده می شود، مسلمان است. اما
با دیگر کتب آسمانی یا مفاد آنها آشنایی داشته زیرا در جایی نوشته است: «رجوع به مالک
حرکات و سکونات عز اسمه باید داشت که در کتاب آسمانی یعنی توریت قطع نظر از تقصیرات
بنده عاجز به کمال رحیم خالقیت و حرف رحمانیت باصحابه فرمودند که در هرچه درمانی مرا
جویی و فضل همان مفضل بی منت و کریم بی منت گشاینده گره کار است» (گ: ۸۶). درباره
اینکه چرا نگارنده نامه ها به فرازی از کتاب مقدس استشهداد کرده است، می توان گفت شاید
مخاطب این نامه غیر مسلمان بوده یا مهتاب رای برای نشان دادن معلومات و دانش خود چنین
استشهادی در متن گنجانیده است.

۱-۲-۴- شغل مهتاب رای

وی مدرّس بوده و ظاهراً خواندن و نوشتن به اطفال می آموخته است: «خانصاحب کرم فرما
سلامت! هرچند عزیز کامکار سعادت یار در مشق خط و درستی انشا فراخور حوصله دید
شعور خود قاصر نیست لیکن از آنجا که خلقه جودت ذهن و حدّت فهم کم دارد چندانکه فقیر به
پاس خاطر سامی نسبت به تلامذه دیگر در تعلیم شکست و بست اصول خط و هم به تفهیم
سلاست عبارات و برجستگی الفاظ سعی موفور به کار می برد از بی راهی خود رو به راه
اصلاح نمی آرد ...» (گ: ۹۳). اما در برهه ای نیز بیکار بوده است. همچنین او نوکری میرزا
زین العابدین نامی را می کرده است. چنانکه می گوید: «درین مدّت بیکاری یازده سال مکروهاتی
که به گردش دیده شد نصیب هیچ آفریده مباد! اول در ایام نوکری میرزا زین العابدین خان بهادر
خیرگی بصر عارض شده بود بعد از شادی برخوردار تهاگرداس سلمه الله تعالی! ضعف
بصارت و دو سال پس از وفات برادران جوان مرگ ناکام همان ضعف مبذل به نزول المار شده
در یک چشم زیاده و در چشم دوم کم. چنانچه تا به حال در چشم مذکور بفضل تعالی نصف
روشنی ست درین ضمن معالجاتی که به قدر طاقت و مقدور به عمل آمده تفصیل آن طول و
عرضی دارد. آخرش کار نوشت خواند از چشم راست معطل مانده و دو سال است که پیاده برای
درس شری جوالاگهی صاحب رفته شش ماه بعد معاودت آنجا چشم راست را قح کرده شد.
هزار شکر به جناب حضرت باری - عز اسمه - که به اصلاح آن به دستگیری عینک سرعت
نوشت خواند زیاده شد» (گ: ۹۹). از متن بالا معلوم می شود که چشمان مهتاب رای ضعیف شده و
عینک می زده؛ اما سرانجام چشم راست او توان دیدن را از دست داده است. او باز هم به ضعیف
شدن چشمش اشاره کرده است: «از چند سال در ته چاه تیرگی نظر و نقصان بصر افتاده»
(گ: ۱۳۸). او به سبب همین بیکاری و ناداری چنین تصمیمی گرفته است: «خاکسار به ناسازی
روزگار ستمکار به جان آمده پارسال به تلاش معاش ازین دیار قصد فرار داشت لکن ادای فی
الجمله وام و فکر زاد ناکام نگذاشت» (گ: ۱۰۷).

وی همچنین منشی برخی از جمله گورنر بهادر کلکته و محسن خان ناظر بوده است (گ: ۹۹).
نیز چندی را ثواب و چاکر بوده است.

۱-۲-۵- استاد مهتاب رای

این طور که از متن نامه ها برمی آید مهتاب رای از کودکی به درس آموختن مشغول بوده
است: «هنگام طفلی که الفاظ "الانتظار اشدّ [من] الموت" از استاد برخوانده ...» (گ: ۱۴۰). در



تأیید این موضوع می‌توان به دو فراز دیگر از دو نامه اشاره کرد که مهتاب رای نوشته است: «حکایت طوطی و زاغ که در طفلی هر کس خوانده» (گ: ۵۴).

مهتاب رای بنا بر آنچه در مقدمه آورده برای تحصیل انشانویسی نزد استاد بندت لچهی رام رفته است: «اضعف العباد مهتاب رای که تارک نیاز آگینش جبهه‌سای سجود آستان استادان ذیشان و دل ارادت‌منزلش قدم‌فرسای جادّه خدمت بزرگان ذوی الإحسان است چند سال به آرزوی دریافت قواعد انشا و تحصیل اشعارات این گرامی‌فن شرف خدمت جناب استادی‌ام قبله‌ام بندت لچهی رام -دام الله ظلال کماله- دریافت» (گ: ۲). با توجه به قید «دام الله ظلال کماله» در هنگام نوشتن مقدمه، لچهی رام زنده بوده است. درباره لچهی رام اطلاعی به دست نیامد.

۱-۲-۶- دیگر هنرهای نگارنده نامه‌ها

مهتاب رای موسیقی هم آموخته بوده است: «آنچه از حواس صاحبان در باب نگاهداشتن منشی که طالب علم و هم‌بهره در فهم علم موسیقی دستی در فن تصوّر داشته باشد نوشته‌اند. گرامی‌قدر عزیزی که در فنون مذکوره بهره داشته باشد حسب دلخواه ایشان آموخته باید کرد. این هیچمدان آنچه فی الجمله یاد داشتیم درین عدم استعمال و بیکاری‌ها فراموش کردم و اگر همین بی قدری‌هاست تنّمه هم از صفحه خاطر محو و منسی خواهد شد» (گ: ۱۰۴).

۱-۲-۷- سفرهای مهتاب رای

پیش‌تر گفتیم که مهتاب رای به دلیل فقر و بیکاری تصمیم به رفتن از دیار خود می‌کند. اما به دلیل وام و بدهکاری به دیگران از این تصمیم منصرف می‌شود. اما بر اساس اشاره‌ای که در یکی از نامه‌ها دارد، بالأخره به سفر می‌رود و هفت سال دور از دیار خود زندگی می‌کند: «درین ولا دوستدار بعد از هفت سال از سفر دور دراز نواح جنوب به بدرقه لطف الهی سالمأ و غانمأ به خانه رسیده می‌خواست که به تقریب معذرت پدر بزرگوار آن مصدر خوبی‌ها روزگار برسد» (گ: ۱۴۸). محتوای نامه‌ها نشان نمی‌دهد که او در این مدت طولانی کجا و به چه کاری مشغول بوده است.

۱-۳- ارزش‌های این اثر

فرهنگ عامّه- یکی از اطلاعات ارزشمند این اثر آگاهی‌هایی هست که در خصوص فرهنگ عامّه است. از جمله:

رسم دستار بدلی: «به تقدیم رسم دستار بدلی ربط اخوت و برادری که مافوق مراتب دوستی است فیما بین مربوط ساخته علم نام‌آوری در میدان فتوت افراشتند» (گ: ۸).

سبیل هندویی: «بنا بر قلب زر با آنکه در سرکار چارماهه مطلوب است بالفعل مبلغ سی روپیه قرض سودی گرفته بر سبیل هندویی فرستاده شد» (گ: ۱۰۵).

نذرانه: «بقالان سرور پور که از چندی از دیهه خود فرار کرده در آنجا بودند نیز به حسب اتفاق نظر بند شدند و به تجویز زمینداران وجه قلیلی بابت نذرانه سرکار به شرط سالم برآمدن خودها با مال و اسباب قبول نموده» (گ: ۴۶). و: «جده صاحبه و قبله دو جهانی دام ظلّها العالیه! آداب نیازمندی بجا آورده معروض می‌دارد که روز عید سعید صیام به سعادت و فرحی چهره‌افروز نشاط و خرّمی گردید و نوید بهجت و خوشدلی چهار طرف رسیده به جناب عالیّه و جمیع خیراندیشان صمیم دور و نزدیک فرخنده باد! دو عدد اشرفی بر سبیل نذر تهنیت به جناب مستطاب ارسال داشته امیدوار است که به درجه قبول رسد» (گ: ۵۱-۵۰).

بله‌بندی‌بافی: «به موجب ارشاد حضور به تقریب رسانیدن بهو بیگم صاحبه درینجا رسیده تا چند روز برای بله‌بندی بافی در سرکار تشریف و تأکید دارند» (گ: ۷۶).

سبک دوره- مهتاب رای گاهی به ویژگی‌های سبکی نوشتاری در زمانه خودش اشاره کرده



است: «در صورت اختتام تسوید کلمات طیبیات خلد مکان مغفرت‌نشان اطلاع دهند و اگر به تبع انشاء پادشاه مغفور که نوشتن آن سهل ممتنع یارای مترسلان روزگار و منشیان زمان اصلاً و مطلقاً نیست نوشته باشند، صورت پسند خاص و عام تواند گرفت» (گ: ۱۰۶). نیز در جایی درباره یک کتاب به سبک داستان در داستان آن اینگونه اشاره کرده است: «کتاب شاخ در شاخ را خیرباد گفتند» (گ: ۸۹).

اصطلاحات نظامی- برخی از اصطلاحات نظامی متن نامه‌ها عبارتند از: توپ، تفنگ، پلتن، فوج، پرگنات، توپخانه، سردار، تنخواه سپاه، لشکر، توی‌ها، قشون، گوله‌انداز، بندوچی، ساز و یراق، سپاه رولکار، چهاونی یا چهاونی یعنی لشکرگاه.

اصطلاحات نامه‌نگاری- به واسطه متن نامه‌ها می‌توان به اصطلاحاتی در باب نامه‌نگاری دست یافت از جمله: مرسله، ترسل، ترسیل، نوشتجات، تحریر، تقریر، مکاتبات، ملفوفه، صحیفه، قلم، دستخط، مزد دستخط، حق التحریر، کاغذ، نویسنده، ملاطفه، مدعانویسان، مطلب-نگاری، مکتوب‌نگاری، شقه، مکتوب‌نویسی‌ها، رقائم، تحریر خطوط، عرضی، دفترداری، انشاگری، نامه‌جات.

انواع نامه- همچنین می‌توان از نام انواع نامه‌ها آگاه شد از جمله: عنایت‌نامه‌جات، عنایت-نامه، مودت‌نامه، الطاف‌نامه، نوازش‌نامه، مسرت‌نامه، اشفاق‌نامه، محبت‌نامه، نیازنامه، روزمره نویسان، زمان حال‌نگار، محبت‌نامه‌جات، مدعانگاری، دوستی‌نامه، گرامی‌نامه، اخلاص‌نامه.

مشاغل- برخی از مشاغل و صاحبان مشاغلی که در خلال نامه‌ها یاد شده‌اند، عبارتند از: داروغه باورچی‌خانه شاه، پیشکاری، نوکری، منشی، بندوچی، نواب، سرکار، چاکر، دفترداری، انشاگری، پتهدار، عملداری، خوشنویس، جزوکش، قراول، مصوری (صورت‌کشی)، سردفتری، کاتب، قاصد، ساهوکار (تاجر)، محرران دفتر دیوانی، صوبه‌دار، قلبهرانی، نیشکرکاری.

توضیح لغت- نگارنده نامه‌ها گاهی درباره معانی واژه‌ها بحث کرده است: «شالمار که سیرگاه شاه و وزیر و جای انبساط برنا و پیر است» (گ: ۱۴۲) و سپس ادامه داده است: «لطبول مرگب از لفظ لط مخفف لطف و بول^۱ چون زاغبول منقار مرغ که در هندی نام کدال آلت کنند زمین و سنگ است و آن اگر لفظ عربیت است به طا و آن عزیز در نوشتن به تا غلط کرده و اگر فارسی است صحیح نوشته. کوار غلط العام به طا نوشتن مستعمل است و آن چوپکی بود به سر خم به شکل به چهره بط یا دیگر جانور که قلندروشان و آزادگان آشکاراً زیر نعل دارند. کهندهی به ضم کاف فارسی مع الهاء متحد اللفظ و نون زده دال بی های هندی‌ست. و در عرف عام هندی بیراکن بگویند» (گ: ۱۴۴). به نظر می‌رسد کسی شعری را برای او فرستاده و درباره معنی برخی از واژه‌ها نظر خواسته یا نظر اشتباه داده است و نگارنده نامه به توضیح مطلب پرداخته است.

نقد- مهتاب رای در مواقعی بصراحت به نقد دیگران پرداخته است از جمله: «درین ولا به وصول دو کلمه خیرمال و دریافت احوال عافیت‌اشتمال چندان که سرور خاطر دست داد خامی خط و نادرستی انشا و املا در تفکر بر حال شکسته‌بال دلم برگشاد. صد حیف که با این همه تأکیدات تن در مشق نوشتخواند نداده» (گ: ۹۰).

۴-۱- ویژگی‌های زبانی و ادبی نامه‌ها

برخی از ویژگی‌های زبانی و ادبی نامه‌ها عبارتند از:

۱. نول به معنی منقار مرغ است (دهخدا، ۱۳۸۶؛ ذیل نول).



۱-۴-۱- ویژگی‌های زبانی

۱-۴-۱-۱- مشخصات لغوی

معمولاً ترکیبات عطفی بجای کسره با واج «ی» به دنبال هم آمده‌اند: «به حالی ایشان پرداختن» (گ: ۶۲). بجای حال ایشان.

برخی از عبارات، ترکیبات و اصطلاحاتی که در این اثر آمده، در *لغتنامه* یافت نشد از جمله: تابع‌دار، دهن‌شد، سامعه‌افروز، رقیمة الوداد، ورغلانیدن، جماعداران، کرسی‌نشین، موشک‌دوانی، دلجمعی، اشفاق‌پذیر، سینه‌صاف، شفقت‌پیرا، دغابازی، دل‌آسایی، زردامی، برار شدن، اختلاف رنگ دربار، ظاهر‌داری، اشفاق‌پیرا، درماهه، کشیش‌دلی، ناپرسانی، پیاده‌پایی، دستکانه، گره‌بندی معامله، ورغلانیدن، پذیردار، یومیهدار، دستگانه، سامعه‌افروز، خانه‌بزرگی، خرگشتنی، پیاده‌پایی، جایداد، جماعدار، چاکردار، بیوپاری (جمع: بیوپاریان)، صحایب (جمع صحابه)، دم به خود ماندن در جمله «بنده این حرف را گوش کرده دم به خود ماند» (گ: ۱۱۵). برخی از واژه‌ها و ترکیبات نیز در *لغتنامه* هستند اما مهتاب رای آنها را در معنایی به کار برده است که در *لغتنامه* دیده نمی‌شود مثلاً: کفچه‌زنی در عبارت «درین فی الجملة دسترس مصاحبت رای مختار و کفچه‌زنی دیگ کار هیچ‌کاره یاد مخلصان صمیم به خاطر بگذشت» (گ: ۹۶). کفچه یا کفگیر به قاشق بزرگی گفته می‌شود که برای هم زدن غذا استفاده می‌شود. در زبان فارسی مثل «کفگیر به ته دیگ خوردن» برای موقعیتی به کار می‌رود که شخص بی پول شده است. ظاهراً در متن یاد شده همین موقعیت با عبارت «کفچه‌زنی دیگ کار» بیان شده است. به هر حال ترکیب «کفچه‌زنی» در *لغتنامه* نیامده است.

نگارنده «سفیده نشاط» (گ: ۱۲۶) را بجای «سفیده نشاط» به کار برده است.

برخی از مواقع جمع‌های خلاف قاعده دیده می‌شود: اشعارات (گ: ۲).

یکی از ترکیبات پربسامد در این اثر «دلنهاد» است که در *لغتنامه* یافت نشد: «اگرچه نظر بر غارتگری و رهزنی‌شان اعتباری و رفاقت‌گری‌ها دل‌نهاد خود نیست» (گ: ۴۵).

۱-۴-۱-۲- مشخصات نحوی

ویژگی‌های زبانی *انشای دلگشا* را باید در نحو جملات جست و جو کرد. از جمله این ویژگی‌ها عبارتند از:

گاهی واج «را» در جملات مجهول آمده است: «در تقدیم کار و خدمت به از ایشان کسی را دیده نشد» (گ: ۶۲). «میر مسطور را باز به خدمت فرستاده شد» (گ: ۱۶۸).

تقدیم و تأخیر بخش‌های جمله گاهی سبب دیریابی مطلب شده است: «خیرخواهان زبان طراز سرکار آنچه در حضور از درستی تار و پودی که لافیده‌اند اجر کار باید دید که چه خواهند یافت» (گ: ۷۵).

به کار بردن وجوه اشتباه مثلاً به کار بردن «کفال» بجای کفالت در این اثر دیده می‌شود: «لطف عمیم حضرت ربّ الکریم -جلّ شأنه- اگرچه باطناً به کفال رزق مقسوم نبرد به حساب بار دوش عنایت دارد» (گ: ۱۵۰).

متعّدی کردن فعل امر از مصدر نوشتن نیز در این متن دیده شد: «برای حضور والا درباره اینجانب هرچه مفید و مناسب باشد بنویسان» (گ: ۳۹).

حذف فعل بدون قرینه در متن فراوان است از جمله: «درین مدّت یک ماه و دو روز چند قطعه رقیمة نیاز به گرامی خدمت معرفت لاله بهوندهامل مرسل داشته به ورود جواب سرور خاطر مهجور دست نداده باعث بجز کم‌فرستی‌ها یا تساهل و اغماض [نبود]» (گ: ۵۷). «التماس اینکه باز حرف بی سر و پایی بر همکاران خود عرض در حق عاصی اثبات و تحقیق-»



پذیرا نشود» (گ: ۱۶۷). «بی‌محابا در کلبه مسکین غبار خیرگی تحدی برانگیخته اند که اگر چندی رین و تیره بماند امانت مذکوره به خاک برابر شود و کتب مخبری و مجلده به سوهان اضراسنان بر هم و ابتر» (گ: ۱۲۸).

جمع بستن ضمیر شخصی «خود» نیز از ویژگی‌های نحوی اثر است: «مقهوران مذکور به اندیشه یأس اوطان و خانمان خودها از نواح دارالخلافه به هیئت و اجتماع برگشته خواهند آمد» (گ: ۳۳). قید «همه» نیز جمع بسته شده است: «در بر هم ساختن جمعیت دوستدار همه‌ها یکدل و یکزبان اند» (گ: ۲۶).

۱-۴-۳- ویژگی‌های ادبی

نامه‌ها به زبانی ساده و روان نوشته شده‌اند و کمتر در آنها از عناصر ادبی بهره برده شده است. برخی از آرایه‌های ادبی و ابزارهای بیانی که در متن دیده می‌شوند، عبارتند از:

تشبیه

«چشمه تحصیل که پیش ازین فی الجمله جاری بود درین روزها بالکل بنده شده» (گ: ۸۰). برخی دیگر از تشبیهات عبارتند از: عنان صبر، نهال یکتادلی، غول نگرانی، «دوانیدن اسب و عده‌های بی اصل» (گ: ۱۰۹).

تضمین آیات قرآنی

نگارنده نامه‌ها از این آرایه چندان بهره‌ای نبرده است. در میان نامه‌ها ۹ بار آیات قرآنی درج شده است و بنابراین نمی‌توان آن را ویژگی سبکی دانست.

تضمین احادیث

این نوع تضمین در نامه‌های تدوین‌شده در این اثر ۲ بار دیده می‌شود از جمله: «حدیث شریف "الخیل عدو الله" ...» (گ: ۱۱۴).

ارسال المثل و حکمت‌ها

در خلال نامه‌ها مثل‌ها، حکمت‌ها و جملات مشهور فراوانی درج شده است از جمله: «به مضمون "کلّ امر مرهون بأوقاتها" حرکت موقوف بر وقت است» (گ: ۱۲۳) و: «چون "کلّ امر مرهون بأوقاتها" مذکور است» (گ: ۱۰۵).

چنانچه مثل مشهور است که از "دست شکسته کار آید و از دل شکسته هیچ نیاید" (گ: ۱۵). به موجب "الکریم اذا وعد وفا" ...» (گ: ۱۲۰).

«بزرگان که پرکار بودند فرموده‌اند که بر دوستی زنان و کودکان اعتماد نباید کرد» (گ: ۸۶). «قول "هرچه بر خود بیسندم به دیگری چگونه روا دارم" ...» (گ: ۱۴۵).

«سلوک "کج دار و مزیز" مسلوک می‌کرد» (گ: ۱۲۷). «مثل مشهور هندی کویل لویی سه یندی دُولی» (گ: ۶۲). به نظر می‌رسد این مثل ترکی باشد. مهتاب رای در جایی نوشته است: «عزیز سعادت‌سمات دیاناته برای استفاده خط نستعلیق و تعلیم لغات زبان ترکی به خدمت شریف می‌رسد» (گ: ۱۱۵).

«به مشهور "دل به دل آئینه" ...» (گ: ۴۰).

«دیوار اقربی که در نیش‌زنی بی سبب بذاته کالعقرب» (گ: ۱۰۷). شبیه «الأقرب کالعقرب» است.

«به فحوای "السعی منّا والإتمام من الله" لوازم جدّ و جهد به قدر مقدور به کار برد» (گ: ۱۰۳). «بزرگان گفته‌اند "کارها به صبر برآید و مستعجل به سر درآید"» (گ: ۱۰۴).

«اگرچه دل شکسته‌حال پریشان‌خیال به حکم "لا یتحرک نرّه الا بإذن الله" می‌داند» (گ: ۱۳۷). «قول "در کار خیر تأخیر منما" که سرمایه‌دار حکمت عظیم لقمان حکیم در ذیل صد پند



سودمند جهت فرزند جگر بند نوشته» (گ: ۱۳۷).
«آن مهربان به قول "اولاً طعام بعده کلام" عمل کرده» (گ: ۸۹).
اشاره به آثار ادبی معروف
از برخی از کتب در بین نامه‌ها نامی آمده است از جمله رساله اصطلاحات، طوطی‌نامه،
بهار عجم، تاریخ نادری و عالم‌آرای عباسی.
استشادات شعری

یکی از عناصر ادبی که در متن کم و بیش از آن استفاده شده، استشهاد به شعر است. در
نامه‌های مدون مهتاب رای ۱۱ بار مصراع و ۲۶ بار بیت یا ابیاتی درج شده است. در یکی از
نامه‌ها شعری به زبان غیر فارسی (ظاهراً هندی) درج شده است. نگارندگان نامه‌ها به نام
سراینده اشعار بندرت اشاره کرده‌اند. سراینده بیشتر اشعار معلوم نشد. اما برخی از شاعرانی که
در مجموع نامه‌ها از آنها شعری آمده و اثر شعری آنها عبارتند از:
نظامی- مصراع «من آیم به جان گر تو آیی به تن» از شرفنامه است. بیت زیر:
عمر به خشنودی دل‌ها گذار تا ز تو خشنود شود کردگار
در مخزن الأسرار آمده است.

سعدی- مصراع «مبین آن بی حمیت را که هرگز» از گلستان است.
ابوسعید ابوالخیر- مصراع «نزدیکان را بیش بود حیرانی» از رباعیات منسوب به اوست.
اهلی ترشیزی- بیت زیر:
کرا دماغ که از کوی یار برخیزد نشسته ایم که از ما غبار برخیزد
آنگونه که در تذکره ریاض العارفین آمده از اهلی ترشیزی است (لکهنوی، ۱۳۵۵: ۹۰).
بابا افضل کاشانی- مصراع «کاری که نکو نشد نکو شد که نشد» شبیه به مصراعی از بابا
افضل کاشانی (م. ۶۶۷ هـ) است: «کار تو نشد نکو شد که نشد». جامی- بیت زیر:
اگر هر موی من گردد زبانی ازو رانم به هر یک داستانی
با ضبط «ز تو» در مصراع دوم در یوسف و زلیخا آمده است.
کامل خراسانی- بیت زیر:

کارساز ما به فکر کار ما فکر ما در کار ما آزار ما
در تذکره ریاض العارفین با ضبط «و» بجای «در» به نام کامل خراسانی (م. ۱۲۳۲ هـ)
ثبت شده است (هدایت، ۱۳۸۵: ۵۸۰).

سایر ابزارهای بیانی و آرایه‌های ادبی در متن نامه‌ها کم است از جمله کنایه که دو بار
در متن دیده می‌شود: «نفرین‌ها گفته در گفتن و نوشتن بی اثر از بی طاقتی سپر انداخت»
(گ: ۹۲). و: «لیکن پنبه‌دهنی شفیق مذکور نگذاشت که اثر سعی او مشکور گردد» (گ: ۸۸).
پنبه‌دهن کنایه از کم‌گو. کم‌سخن است (دهخدا، ۱۳۸۶، ذیل پنبه‌دهن). و: «صورت جمعیت این
مردم را که خار در چشم خود می‌دانند بر هم زنند» (گ: ۳۷).

۵-۱- معرفی نسخه انشای دلگشا

از این اثر یک نسخه باقی مانده است که به شماره ۹۹-۱ در مجموعه آذر کتابخانه مرکزی
دانشگاه پنجاب نگهداری می‌شود (نوشاهی، ۱۹۸۶: ۱۳۴).
هر صفحه ۱۵ سطر دارد که به خط نستعلیق ریز نوشته شده است. صفحات مجدول نیستند.
عناوین مکاتبات شنگرف نوشته شده‌اند. برخی از برگه‌ها پاره شده یا آب دیده‌اند و بنابراین برخی
از واژه‌ها و عبارات قابل خواندن نیستند.
برگه‌های زوج رکابه دارد.



برگه‌های نسخه شمارگذاری نداشتند اما در اواسط کار برگه‌ها شمارگذاری شدند. برگه اول شماره گذاری نشده است بنا بر این در متن مصحح شماره برگه‌ها با ترتیب درست ثبت شده‌اند.

۱-۵-۱- رسم الخط

برخی از حروف را حرکتگذاری کرده است که به تبع کاتب این حرکتگذاری‌ها را ثبت کرده‌ایم.

نقطه گذاری دقیق نیست و در برخی مواقع نقطه‌ها بیجا افتاده یا واژه را بدون نقطه ضبط کرده است.

نهه (=نه)، توجیهه (=توجیه)، سنگه (=سنگه).
کاتب «ه» ناملفوظ را ثبت کرده است: وامانده گی (=واماندگی)، تیره گی (=تیرگی).
واج «ی» بجای کسره را ننوشته یا از ۲ بهره برده است: ابتدا کار (=ابتدای کار)، آرزو رسیدن (=آرزوی رسیدن).

چه تمیز لکن نشئه را به ترتیب چو، تمیز، لکن و نشاء ضبط کرده است.
در کلمات عربی واج ت را به صورت ة (ة گرد) نوشته است: «درود نامحدود و صلوات نامعدود» (گ: ۱)، جماعه (گ: ۶)، مشوره (=مشورت). اما: فی الحقیقت (گ: ۸) هم دیده می‌شود.
غلط های املائی متن کم است از جمله: ذخارف (زخارف)، تذویر (=تزویر)، هرج (=حرج). در خور ذکر است که در متن صورت صحیح این واژه‌ها را ثبت کرده‌ایم. همچنین واژه‌های گزارش، عواقب و فرار را همه جا به ترتیب «گذارش»، «عوافت» و «فراز» ضبط کرده است.

منابع و مأخذ

- ۱- اختر هوگلی، قضای محمد صادق خان (۱۳۹۲) تذکره آفتاب عالمتاب، تهران: سفیر اردهال.
- ۲- درایتی، مصطفی (۱۳۹۰) فنخا، ج ۵، تهران: کتابخانه ملی.
- ۳- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۸۶) لغتنامه، تهران: موسسه لغتنامه دهخدا.
- ۴- رایج سیالکوتی، (۱۳۷۵) دیوان، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۵- شمیسا، سیروس (۱۳۸۰) مصطلحات الشعراء، تهران: فردوس.
- ۶- صبا، محمد مظفر حسین (۱۳۴۳) تذکره روز روشن، تصحیح رکن زاده، تهران: کتابخانه رازی.
- ۷- لکهنوی، آفتاب رای (۱۳۵۵) تذکره ریاض العارفین، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۸- منزوی، احمد، (۱۳۶۲) فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۵، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۹- نوشاهی، خضر عباسی (۱۹۸۶) فهرست نسخه‌های خطی فارسی دانشگاه پنجاب، گنجینه آذر، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۱۰- هاشم پور سبحانی، توفیق (۱۳۷۷) نگاهی به تاریخ ادب فارسی، تهران: فرهنگستان.
- ۱۱- هاشمی، محمود (۱۳۷۵) تحوّل نثر فارسی، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۱۲- هدایت، رضا قلی خان (۱۳۸۵) تذکره ریاض العارفین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

